

الگوی تنزیلی، مدل تحول قرآن کریم^۱

عبدالکریم بهجت پور^۲

چکیده

تنزیل در برابر تأویل یا تطبیق قرار می‌گیرد؛ به این معنا که قرآن وقتی نازل شد، با یک ادبیات و در یک بستر فرهنگی خاص بود. در نگاه تنزیلی، متن در فضای نازل‌شده، تفهیم می‌شود و فهم به دست آمده نیز در بردارنده محتوا و روش است؛ چه روش تحول جامع و چه روش تحول عنصری و جزئی.

موضوع پیشرفت و تحول نیز در ذیل نظام انتظارات از دین است که به معنای توسعه و حرکت روبه جلو، دارای هدف، استحکام و متخذ از مبانی فکری و بینش‌های استوار بوده و بسته به موضوع می‌توان نام آن را پیشرفت اقتصادی، پیشرفت دینی، سیاسی و... نامید. استخراج روش از قرآن، در کنار تلاش برای فهم محتوا کار جدیدی است که می‌شود به مجموعه داشته‌های تفسیری اضافه کرد و با این روش در دانش تفسیری موجود تغییر ایجاد نمود.

الگوی تنزیلی قرآن کریم از جمله تغییرات در دانش تفسیری موجود است و بهترین راهی است که می‌توان با آن به تحول رسید. این مدل، بهترین تجربه برای تحول‌سازی است؛ چه در بعد تحول فردی و چه در بعد تحول اجتماعی.

سطوح تحلیلی تحول قرآنی از حوزه نظر تا حوزه اقدام، به معنای تولید ادبیاتی است که الگوی تنزیلی را به نتیجه می‌رساند. ساختار جامع تفسیر تنزیلی را برای تحول اجتماعی در چهار گام می‌توان خلاصه کرد:

۱. دعوت علنی پیامبر(ص) و رویش مخفیانه مؤمنین؛

۲. رشد مخفی مؤمنان؛

۳. جامعه‌سازی؛

۴. پایش و مراقبت.

ایده پیشنهادی با ساختار بیان شده می‌تواند با تکیه بر بهترین تجربه تحول، به تحول‌سازی بینجامد.

کلیدواژگان: قرآن کریم، الگوی تنزیلی، مدل تحول، تفسیر.

^۱. برگرفته از مصاحبه با استاد در نشست‌های تخصصی.

^۲. عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و رئیس مؤسسه تمهید.